

بسم الله الرحمن الرحيم

خانواده: کشتی ای که دستخوش امواج گردیده؛ کجاست ساحل نجات؟

(ترجمه)

مفاهیم فاسدی در جامعه شایع گردیده که روابط افراد را بر مبنای مصلحت ها و منافع استوار ساخته و پیوند های افراد جامعه را زیر پا نموده و آن ها را در میان یکدیگر بیگانه ساخته است که از مهم ترین نتایج آن برای خانواده؛ جدایی و دور ساختن اعضای آن از همدیگر می باشد.

باد های این نظام حاکم که بالای جهان حاکمیت می کند، بالای تمام روابط وزیده و مفاهیم زندگی را تغییر داده اند و پیوند مستحکمی که زن و شوهر را تا مدت طولانی با همدیگر ارتباط می دهد را به عنوان کتاب قراردادی ساخته است که فصل های آن را: فراهم ساختن خانه ای زیبا، موتر/اتوموبیلی مجلل و خانمی که در بیرون از خانه کار کرده تا شوهرش را در تامین نیازمندی های بی پایان زندگی همکاری نماید، تشکیل می دهند.

و به سبب یک اختلاف کوچک و ناچیز، گره این پیوند از هم گسیخته، روابط نابود شده و نظام خانواده طوری از هم می پاشد که هیچ ارزشی برای همنشینی، دوستی و محبت داده نمی شود.

همین طور معیار های انتخاب همسر از: "کسی که از دینداری اش راضی شدید" و از "با انتخاب خانم دیندار خود را رستگار بگردان" به: "کسی که قصر و موتر/اتوموبیل دارد" و به "کسی که کار می کند و در تامین مخارج خانه سهم می گیرد" تغییر یافته اند؛ تا تبدیل به معیار های سست و ضعیفی که در برابر کوچکترین فشار و مشکلات نابود شوند.

(مصلحت و فایده مادی) به یک عنوان بزرگ و درشت در نزد مردم مبدل شده که روابط را رهبری می کند و همچنان ارزش های به ظاهر بزرگ دیگری در جامعه مثال زده می شوند که مردم بخاطر تامین آن ها، در سایه این نظام فاسد سرمایه داری، دنبال خواسته هایی که هیچ گاه به پایان نمی رسند، همواره می تپند و در اقیانوس خواسته ها، شهوات و تمایلات شناور هستند و بخاطر به دست آوردن مقدار زیادی از آن ها در این اقیانوس غوطه می زنند.

آنان به مانند کشتی هایی هستند که در اقیانوسی متلاطم حرکت نموده و امواج خشمگین آن ها را در خود فرو برده و به این سو و آن سو پرتاب می کند، مسافری این کشتی خسته و درمانده نفس های خود را حبس کرده و به دنبال ساحلی می گردند تا کشتی شان در آنجا لنگر اندازد؛ یعنی ساحل نجات! و از سوی دیگر دزدان دریایی همواره مراقب این اقیانوس ها بوده و تلاش می کنند تا کشتی ها و مسافرین آن ها غرق نمایند و شب و روز بخاطر این کار نقشه می سازند ولی مسافرین کشتی ها با چشمانی سرگشته و حیران این سوال را می پرسند که چه وقت و چگونه نجات خواهیم یافت.

ما جوامع بشری را اینگونه می‌بینیم و آنچه را که برای خانواده‌ها در سایه این نظام وحشی و غیر متمدن اتفاق می‌افتد و انسانیت را از طریق جنگ‌ها، بلاها، فقر و گرسنگی در معرض نابودی قرار داده است، به همین کیفیت مشاهده می‌کنیم.

نظام دزدان دریایی برای نابودی بشریت کمر بسته است و هیچگاه زندگی آرام و بقا را برای انسان‌ها نمی‌خواهد، کارش پیوسته و دوامدار است، نه خسته می‌شود و نه هم درمانده، انسان‌ها را کشته و خون‌ها را می‌ریزد، این نظام -به زعم خودش- در برابر تروریزم و تروریسم می‌جنگد و آیا تعبیرش از تروریزم غیر از اسلام چیز دیگری هم است؟ و از سویی دیگر فرهنگ خود را از راه‌های گوناگون در جوامع پخش می‌کند.

و همچنان غلامانی دارد که این نظام را تطبیق نموده و شب و روز بخاطر بقای آن کار می‌کند، رسانه‌های این نظام نیز آنچه را که برای شان دیکته می‌شود را ترویج می‌دهند، نظام تعلیمی‌اش نیز بر مبنای نهادینه ساختن مفاهیم این نظام در میان نوجوانان، سازمان‌ها و انجمن‌ها فعالیت می‌نماید تا از طریق آن افکار زهرآگین خودش را پخش نماید.

این نظام دزدان دریایی به سرعت در حال حرکت است تا مفاهیم باقی مانده اسلام را نیز از بین برده و خانواده‌ها را در جهنم مفاهیم نظام سرمایه‌داری و سکولاریزم غربی چنان غرق نماید تا زیربنای خانواده مسلمان را نابود ساخته و چنان در اقیانوس جهالت و تاریکی‌ها داخل نموده و گمراه سازد که هیچ‌گاه به ساحل نجات رهنمون نشود.

آنچه که پدران و فرزندان از یک جدایی ترسناک و جفای بزرگ رنج می‌برند؛ نتیجه چیزی است نه بالای روابط آن‌ها سایه افکننده و از خطری فراگیر هشدار می‌دهد و این پیوندی که برای مدت‌های طولانی خانواده مسلمان را با همدیگر ارتباط داده بود را تهدید می‌کند و آن را در مسیر آنچه که خانواده‌ها در غرب از جدایی و پراکندگی رنج می‌برند، قرار بدهد! تا هر فرد دنیای خاص خودش را داشته و از سایر اعضای خانواده بی‌خبر باشد، و تنها چیزی که آن‌ها را یکجا می‌سازد؛ زمان صرف غذا و یا رفتن به اتاق خواب- در بهترین حالت- باشد.

اندوه فراوانی وجود همه ما را فراگرفته که قلب‌ها از شنیدن آن پاره می‌شوند، پس این بیهودگی و ضیاع وقت، که فرزندان مسلمانان در آن به سر می‌برند، به یک راه حل عاجل نیاز دارد تا از طریق آن از چنگال سکولاریزم وحشی نجات یابند.

جوانانی که در تقوا و طاعت الله سبحانه و تعالی تربیت یافته‌اند، سکولاریزم آن‌ها را چنان تغییر داده است که در آغوش گمراهی قرار گرفته و در پی شهوات دویده و چنان به تمایلات و هوای نفس پاسخ مثبت بدهند نه به طور کامل احکام الله سبحانه و تعالی نادیده بگیرند!.

کسی که بال فروتنی را در برابر والدین پهن نموده و در جستجوی رضایت آن بوده و همانگونه که او را در کودکی تربیت نموده بودند، برای شان دعای رحمت می‌نمود را به شخصی مبدل ساخته است که نافرمانی والدین خود را نموده، در برابرشان بی‌تفاوت بوده و در بسا اوقات آن‌ها را به خانه سالمندان بیندازد.

و همچنان کسی که به طور پیوسته جهت پیوند صله ارحام تلاش نموده و بخاطر انجام اعمال خیر و کسب پاداش، در انتظار مناسبت هایی می نشست تا آن ها را انجام دهد به کسی مبدل گشته است که این مناسبت ها را فرصتی برای ملاقات خویشاوندان قرار میدهد.

این چه وضعیتی است که امت اسلامی بعد از آن که دین از صحنه زندگی خارج گردید، دچار آن شده است؟ این چه حالتی است که امت اسلامی را در مسیر آنچه که در غرب از پراکندگی، بی تفاوتی و زندگی آشفته جریان دارد، قرار داده است؟.

ما فریاد یاری طلبی را به تمام مسلمانان سر می دهیم که: خانواده را دریا بید! زیرا خانواده همان هسته ای است که با اصلاح آن، جامعه اصلاح شده و با فاسد شدن آن، جامعه فاسد می شود.

چگونه در مورد زندگی در سایه احکام اسلام و از سرگیری زندگی اسلامی آگاهی یابیم در حالیکه فرزندان و جوانان ما- کسانی که ستون تغییر جامعه هستند- در میان گردبادی که آنان را از هر سو فرا گرفته، سرگشته و حیران هستند؟

چگونه در آرزوی فردای درخشانی که شریعت الله سبحانه و تعالی آن را توسط احکام عادلانه اش روشن می سازد، باشیم در حالیکه تارهای عنکبوت های کشنده فرزندان و همسران ما را احاطه کرده و چنگال های شان را چنان به دور آن ها فشار می دهند تا طعمه های آسانی برای نقشه های شوم شان باشند.

از عبدالله بن عمر روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَلَأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ، وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (مسلم/1829)

ترجمه: «هر کدام از شما مسئول است، و از هر یک از شما، در مورد زیر دستانش سؤال خواهد شد؛ امیری که بر مردم گماشته شده، مسئول رعیت می باشد. مرد، مسئول خانواده و زیر دستانش می باشد. زن در خانه ی شوهر، مسئول زیر دستان و فرزندان خود است. خدمتگذار، مسئول است و از او در مورد اموال صاحبش و مسئولیت های دیگرش، سؤال خواهد شد. و همه ی شما مسئول هستید و از شما در مورد مسئولیت تان، سؤال خواهد شد.»

پس تو ای شوهر! پدر مسئول هستی! و تو ای خانم/مادر مسئول هستی! همه مسئول اند و اول تر از همه حاکمی است که در برابر رعیت خودش مسئول است، آن ها را سرپرستی نموده و احکام الله سبحانه و تعالی را در میان شان نافذ می کند تا حالت شان بهتر شود.

ولی امروز امت دولتی ندارد تا آن ها را در زیر پرچم واحد جمع نماید و بدون سرپرستی است تا از آن ها دفاع و حمایت نماید، در این صورت چگونه حالت مردان، زنان و فرزندان امت اسلامی بهبود خواهد یافت؟

هر زمانی که افراد جامعه بخاطر اصلاح آنچه که بر سر خانواده آمده تلاش نمایند؛ در برابر این امواج ویرانگر و باد هایی که می‌وزند تا خانواده را در اقیانوس نظام فاسد سکولاریزم غرق نمایند، ناتوان خواهند شد.

بناء همه در مقابل برگشتاندن دولت اسلامی که خانواده را حمایت نموده و هر فرد را بخاطر ترس از الله سبحانه و تعالی و طمع رسیدن به رضایت او، وادار به ادای مسئولیت هایش می‌کند، مسئول هستند.

نویسنده: زینت السلام

برای دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحرير

۲۷ شوال ۱۴۴۰ه ق - ۳۰ جون ۲۰۱۸م